موجاموج نظم در دریای معانی قرآن

مجد، امید

گفتگو با امید مجد،مترجم منظوم قرآن

زهرا عرب

در سکوت و خلوت شب،در آن‏ دم که مردمان شهر،خفته در لاک‏ خود،آرمیده بودند،کنار گوششان- شاید در چند قدمی-توفانی عظیم، دریای دل کسی را به تلاطمی سخت‏ و پرکشاکش انداخته بود.جوانی‏ چشم از تاریکی آسمان بربسته، چراغ هدایت،این مصحف‏ نجاتبخش آفریدگار را در دست‏ گرفته،میان امواج پر آشوب افکارش‏ دست در دست خضر فرخ‏پی،به‏ تصویر بزرگمردی می‏نگرد که درون‏ تاریکی غاری در کوه،دور از دید دیگران،به صدایی بی‏صدا گوش‏ می‏دهد: بخوان! بخوان!...به نام پروردگارت... صدا بار دیگر در غار می‏پیچد: بخوان!

دو گوی دیدگان او از تصویر هن،بر نقش کلمات قرآنی که پیش‏ رو دارد،برمی‏نشیند و مرد جوان به‏ جمانی می‏اندیشد که ضمیرش را نگرفته‏اند،با خود می‏اندیشد:

...اگر گفته آرم به نظمی روان‏ نکوتر نباشد به جان و روان؟

او به عرب‏زبانانی می‏اندیشد که ازلذت نشستن بر موجاموج منظم‏ کلمات عربی برخوردارند و در دریای‏ معانی آن به کمال غوطه می‏خورند، و به فارسی‏زبانانی که نه توان لذت‏ بردن از آهنگی منظم در بیان را دارند و نه امکانی برای غوطه خوردن در دریای کمال آن.

به ناگه دلم گفت با من سخن‏ کمان جسارت کنون زه بکن

مرا طبع شعر است جاری چو آب‏ سزد گر به شعر آوری این کتاب

و چنین بود که امید مجد توانست‏ به نظم کشیدن قرآن آسمانی را با ترجمهء سورهء حمد آغاز کند:

ستایش بود ویژهء کردگار که بر عالمین است پروردگار

تو را می‏پرستیم تنها و بس‏ نداریم یاور به غیر از تو کس

بشو هادی ما به راه درست‏ ره آنکه منعم زنعمات توست

به آنان که خشمت برایشان رواست‏ نه آنها که هستند گمره ز راست

- امید مجد متولد 1350 و اهل‏ نیشابور است.تحصیلاتش را تا اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در این‏ شهر گذرانده و در سال 1369 در رشته مهندسی پتروشیمی دانشگاه‏صنعتی امیر کبیر پذیرفته شد و اکنون‏ نیز در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران،در رشته زبان و ادبیات فارسی به فراگیری علم‏ مشغول است.او درباره چگونگی به‏ نظم کشیدن قرآن کریم می‏گوید: خیلی خلق الساعه شروع به این کار کردم.این گونه که در یکی از شبهای بهار 74،شبی که شب قدر زندگانیم بود،مشغول خواندن قرآن‏ بودم.وقتی ترجمه آن را مرور می‏کردم احساس کردم به دلم‏ نمی‏نشیند و از آنجا که از کودکی به‏ شاعری علاقه داشتم و طبع شعر سرودن را در خود یافته بودم،یکباره‏ تصمیم گرفتم قرآن را به نظم بکشم و همان شب هم سورهء حمد را و سپس‏ کل قرآن را در مدت سیصد روز و در قالب 18 هزار بیت سرودم.

از امید مجد دربارهء سبک کارش‏ پرسیدم و او پاسخ داد:سبک نظم‏ قرآن خراسانی و در قالب مثنوی‏ است.بحر آن متقارب و وزنش هم‏ فعولن فعولن فعولن فعول است.در سرودن بیشتر سبک سعدی را پیشه‏ کرده‏ام که ترتیب ارکان جمله در آن‏ حفظ شده است و از استفادهء از لغات عربی ناملموس هم پرهیز کرده‏ام.مجد دربارهء ویژگیهای ترجمه‏ منظوم قرآن می‏گوید:«در ایران‏ تاکنون با سه دسته ترجمه قرآن روبه‏ رو بوده‏ایم.دسته اول ترجمه‏هایی‏ است که به صورت لغت به لغت‏ برگردان شده‏اند که بخاطر عدم‏ روانی و شیوایی کلام-که ناشی از همان تحت‏اللفظی ترجمه کردن آن‏ است-موفق به تسخیر روح خواننده‏ نمی‏شوند و نمی‏توانند با مردم ارتباط صمیمانه برقرار کند.

دستهءدوم‏ ترجمه‏هایی هستند که در آنها از جملات شیوا و روان استفاده شده و از این نظر با خواننده انس و الفت‏ پیدا می‏کنند اما گاهی در آنها پای‏ دقت می‏لغزد.و دسته سوم‏ ترجمه‏های قرآنی است که از لحاظ دقت و درستی ترجمه برتر از سایر ترجمه‏هاست ولی باز هم آن گونه که‏ باید بار روح خواننده ارتباطی دوستانه‏ برقرار نمی‏کنند.ویژگی این گونه‏ ترجمه‏ها این است که آنها با هنر و ادبیات نیامیخته‏اند و من در ترجمه‏ قرآن کوشیده‏ام با سبک شعری روان و استفاده از فنون فصاحت و بلاغت و در ابیات کوتاه مفهوم را به خواننده‏ منتقل کنم.باید بگویم اینکه بتوان‏ مفهومی را در یک بیت رساند البته‏ کار ساده‏ای نیست و به اعتقاد من شرط نخست و مهم آن برخورداری از توفیق الهی است و بعد هم پشتکار و اراده و آگاهی.

مجد می‏افزاید:برای اینکه‏ نمونه‏ای بدهم می‏توانم از ترجمه‏ سوره حمد نام ببرم.تاکنون خیلی از شاعران این سوره را به نظم کشیده‏اند اما کوتاهترین آنها در نه بیت است‏ اما من در پنج بیت توانسته‏ام آن را بگنجانم.

از دیگر ویژگیهای این ترجمه آن‏ است که ابیات به هیچ وجه تکرار نشده‏اند.مثلا در آیهء«فبای الاء ربکما تکذبان»که در سوره مبارکهء الرحمن 31 بار تکرار شده،برای آن‏ 31 بیت مختلف با معنای واحد سروده شده است.

انتخاب بحر متقارب هم از دیگر ویژگیهای ترجمه منظوم است.

همان‏طور که می‏دانید این بحر خواننده را به وجد می‏آورد و تلاطم‏ روحی ویژه‏ای در او پدید می‏آورد. از ظرایف بحر متقارب این است که‏ هنگامی که فعل در اول بیت می‏آید خواننده احساس اوج می‏کند و وقتی‏ در پایان بیت می‏آید احساس فرود به‏ خواننده دست می‏دهد و روح‏ خواننده دچار تلاطم و شور می‏شود.

وی با آوردن مثالهایی از دیگر ترجمه‏های قرآن کریم و مقایسه آنها با ترجمه منظوم می‏گوید:ببینید مثلا در آیه 2 از سوره اعراف خداوند می‏فرماید:«کتب انزل الیک فلایکن‏ فی صدرک حرج منه لتنذر به و ذکری‏ للمؤمنین»که در ترجمه‏های دیگر این گونه آمده است:کتابی است که‏ به سوی تو فرستاده شده پس نباید در سینهء تو از ناحیه آن تنگی باشد.در اینجا این ابهام پیش می‏آید که آیا پیامبر از قرآن احساس دلتنگی‏ می‏کند.در حالیکه از انکار مشرکان‏ احساس دلتنگی می‏کند و درک این‏ مسأله به خواننده واگذار شده است. من سروده‏ام:

از انکار مردان باطل پسند مبادا تو را سینه گردد نژند

یا نمونهء دیگر آیه«الشهر الحرام‏ بالشهر الحرام»است که در ترجمه‏های دیگر«ماه حرام در برابر ماه حرام»معنا شده است که گرچه‏ کاملا صحیح است اما مبهم‏ می‏باشد.

در این ماه ذی‏القعده خلف مرام‏ اگر جنگ سازید نبود حرام

که این است در پاسخ آن نبرد که کفار در ماه ذی‏القعده کرد

شنیدیم که امید مجد کار ترجمه‏ منظوم«نهج‏البلاغه»را نیز آغاز کرده‏ است.از او در این باره پرسیدم و او گفت:من پس از اتمام کار قرآن و ویرایش چندبارهء آن و دیگر کارهای‏ اجرایی فراغتی پیدا کردم که به فکر ترجمه منظوم«نهج‏البلاغه»بیفتم. که به یاری خدا اکنون 5000 بیت آن‏ را تمام کرده‏ام و پیش‏بینی می‏کنم در 15 هزار بیت بتوانم کار سرایش آن را به پایان برسانم.

او درباره ویژگیهای این ترجمه‏ می‏گوید:جنس ترجمه نهج‏البلاغه‏ با قرآن بسیار متفاوت است.چون از ابتدا قرآن براساس نظمی نازل شده‏ و پیشاپیش نیز قرار بوده که به شکل‏ یک کتاب درآید،مطالبش منسجم‏تر و حتی زمانها و مکانهای آن‏ مشخص و روشن است.اما در «نهج‏البلاغه»این گونه نیست.حتی‏ ما در خطبه‏ای که حضرت می‏خوانند نمی‏دانیم شرایط زمانی و مکانی آن‏ چیست.ضمن اینکه چون‏ «نهج‏البلاغه»کلام بشری است،دست مترجم در آن بازتر است.من‏ در ترجمه قرآن به عمد و به خاطر اینکه کلام خداست وسواس عجیبی‏ داشتم که آن را عینا ترجمه کنم.البته‏ این بدان معنا نیست که در «نهج‏البلاغه»بتوان چیزی افزود.اما می‏توان مطالبی در جهت پرورش و تکمیل آن اضافه کرد و به‏ سخن‏پردازی و فنون شاعرانه‏ پرداخت.در ترجمه«نهج‏البلاغه» می‏شود از انواع صور خیال،تشبیه، استعاره،کنایه،ابهام،جناس و دیگر صنایع ادبی بهره برد.از سوی‏ دیگر خود قرآن می‏گوید:«ولقد بسرا قرآن للذکر»ما قرآن را ساده بیان‏ کردیم.و من به عمد ترجمه منظوم‏ قرآن را با واژه‏های ساده و همه فهم‏ ترجمه کردم اما در «نهج‏البلاغه»این‏ کار را نمی‏کنم و شاید برای فهم آن‏ کمی اطلاعات شاعرانه و آشنایی با فنون ادبی لازم باشد.مثلا در خطبه‏ای دربارهء فرشتگان سخن‏ می‏گوید که برخی از آنها در حال‏ سجودند و برخی در حال رکوع و بعضی ایستاده‏اند و اصلا نمی‏خوابند،من در اصل مطلب‏ تصرفی نکردم اما با فضاسازی و تشبیه‏سازی این گونه سروده‏ام:

دسته‏ای در بوستان آن ودود چون بنفشه سرنهاده بر سجود

دسته‏ای دیگر مداوم در رکوع‏ چون شقایق سرنهاده با خشوع

دسته‏ای ذکر خدا گویند باز ایستاده همچو سرو سرفراز

دسته‏ای دیگر بدون خستگی‏ ذکر او گویند با دلبستگی

همچو چشم عاشق شب زنده‏دار خواب از چشمان آنها بسته بار

مجد می‏گوید از دیگر ویژگیهای‏ ترجمه منظوم نهج‏البلاغه این است‏ که سبک آن عراقی و وزن آن فاعلاتن‏ و بحر مسدس محذوف است.

امید مجد از کارهای آینده‏اش با عشق صحبت می‏کند و می‏گوید بنا دارد پس از«نهج‏البلاغه»،«صحیفهء سجادیه»و«نهج‏الفصاحه»را نیز به نظم بکشد و این را تکلیفی‏ شاعرانه برای خود می‏داند و می‏گوید:تنها مشکلی که من دارم‏ کمبود کاغذ است.ترجمه منظوم‏ قرآن تاکنون در هفت چاپ و 74 هزار تیراژ به دست مردم رسیده‏ است.اما اگر مسؤولین مرا در تهیه‏ کاغذ یاری کنند گمان می‏کنم در 7740 هزار شمارگان عرضه می‏شد

گفتنی است تا اوایل ماه رمضان‏ ترجمه منظوم قرآن برروی یک لوح‏ فشرده( DC )با امکاناتی چون‏ بازیابی و جست و جوی آیات، تغییر آیه به بیت منظوم آن،و با صدای استاد شاطری مصری و نیز استفاده از تصاویری گرافیکی در دسترس قرآن‏پژوهان و شیفتگان این‏ کتاب آسمانی قرار خواهد گرفت.